

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: کارل مارکس

فرستنده: علی مشرف

۰۵ جون ۲۰۱۸

شورش در ارتش هند

«تفرقه بینداز و حکومت کن» رومی، اصل بزرگی بود که بریتانیا برای حفظ امپراتوری خود در هندوستان، به مدت ۱۵۰ سال آنرا طرح ریزی کرد و به کار بست. خصومت میان نژادها، قبایل، کاست‌ها، کیش‌ها و قلمروهای گوناگون که مجموعاً واحد جغرافیائی را به نام هند تشکیل می‌دهند، کماکان اصل حیاتی سلطه بریتانیا است.

اما، اخیراً شرایط آن سلطه دستخوش تغییر شده است. با فتح «سند» و «پنجاب»، امپراتوری انگلیس در هند نه فقط به محدوده طبیعی خود رسید، بلکه آخرین بقایای ایالات مستقل هند را نیز لگدمال کرد و از میان برداشت. همه قبایل بومی رزمجو مطیع شدند، تمام کشمکش‌های داخلی جدی به پایان رسیدند، و الحاق اخیر «آواد» به طور رضایت‌بخشی ثابت کرد که بازمانده‌های به اصطلاح قلمروهای مستقل هندی فقط در چارچوب انقیاد وجود دارند. در نتیجه، تغییر بزرگی در موقعیت کمپانی هند شرقی پدید آمد. آن دیگر با کمک بخشی از هند به بخش دیگر آن حمله نمی‌کرد، بلکه خود را در رأس، و کل هند را زیر پای خود یافت. آن دیگر فتح کننده نبود و فاتح شده بود. و ارتش‌هایی که در اختیار داشت دیگر مجبور به گسترش قلمرو آن نبودند، بلکه فقط باید آن را حفظ می‌کردند. آن‌ها از سرباز به پولیس تبدیل شدند، دوصد میلیون بومی به دست دوصد هزار سرباز بومی به فرماندهی انگلیس‌ها مهار شدند، و آن ارتش بومی به نوبه خود، به وسیله یک ارتش تنها چهل هزار نفری انگلیس نگهداری می‌شد.

در نگاه اول، روشن است که وفاداری مردم هند بر پایه وفاداری ارتش بومی استوار است و حکومت انگلیس با تشکیل آن، هم‌زمان اولین کانون عمومی مقاومتی را که مردم هند در اختیار داشتند، سازمان داد. شورش‌های اخیر که بلافاصله بعد از این‌که جنگ با ایران تقریباً ریاست جمهوری بنگال را از پوشش سربازان اروپائی آن محروم کرد، درگرفت، به روشنی نشان می‌دهند که تا کجا می‌توان بر آن ارتش بومی تکیه کرد. پیش از این نیز در ارتش هند شورش‌هایی رخ داده بود، اما شورش کنونی با ویژگی‌ها و جنبه‌های مهلکی قابل تمایز است. این نخستین بار است که هنگ‌های «سپاهی» افسران اروپائی خود را کشته اند؛ مسلمانان و هندوها با کنار نهادن اختلافات خود، به ضد ارباب مشترک خود متحد شده اند؛ و این‌که «ناآرامی‌هایی که به وسیله هندوها آغاز شد، در واقع به رسیدن یک مسلمان بر تخت پادشاهی دهلی انجامیده است»؛ و شورش به چند منطقه محدود نبوده است؛ و بالاخره این‌که این قیام در ارتش آنگلو-هند با نارضایتی عمومی علیه سلطه انگلیس از جانب بخشی از ملل بزرگ آسیائی مصادف بوده است و بدون تردید قیام ارتش بنگال با جنگ با ایران و چین ارتباط تنگاتنگ دارد.

بیم بومی‌ها از این‌که مبادا دولت در مذهب‌شان دخالت کند دلیل نارضایتی نامیده شده است که از چهار ماه پیش در ارتش بنگال در حال گسترش است. استفاده بالاجبار از دندان برای پاره کردن کاغذ باروت مورد استفاده، که گویا با چربی گاو و خوک آغشته شده بود، و از این‌رو بومی‌ها آن‌را تجاوز به شئون مذهب‌شان می‌دانستند، انگیزه ناآرامی‌های محلی شد.

در روز ۲۲ جنوری، پادگانی که در فاصله کوتاهی از کلکته قرار داشت به آتش کشیده شد. در ۲۵ فیروزی، هنگ نوزدهم [ارتش] بومی در اعتراض به کاغذ باروت [آغشته به چربی گاو و خوک] در «برامپور» شورش کرد. در ۳۱ مارچ، این هنگ منحل شد؛ در پایان مارچ، هنگ ۳۴ سپاهی مستقر در «براکپور» به یکی از افراد خود اجازه داد ضمن حضور با تفنگ پر در میدان رژه تا به جلوی صف رفته، و پس از تشویق رفقاییش به شورش، به آجودان و سر گروهیان هنگ خود حمله کرده و آن‌ها را زخمی کند. در جریان نبرد تن به تنی که در پی آن روی داد، صدها سپاهی منفعلانه نظاره‌گر بودند، در حالی‌که دیگران در مبارزه شرکت کردند، و با قنடاق تفنگ‌های خود به افسران حمله‌ور شدند.

متعاقباً، آن هنگ نیز منحل شد. ماه اپریل با آتش زدن چندین اردوگاه ارتش بنگال در «الله‌آباد»، «آگرا»، «آمبالا»؛ شورش هنگ سوم سواره نظام در «میروت»، و با بروز نارضایتی مشابه در ارتش‌های «مدرس» و «بمبی» برجسته شد. در آغاز ماه مه، قیامی در «لاکناهو»، مرکز «آواد» در حال شکل‌گیری بود، که البته، با زرنگی «سیت اچ. لورنس»، از آن جلوگیری شد. در نهم ماه مه شورشیان هنگ سوم سواره نظام «میروت»، به سوی زندان راه انداخته شدند تا دوره‌های مختلف حبسی را که به آن محکوم شده بودند، سپری کنند.

در غروب روز بعد، افراد [هنگ] سواره نظام سوم، همراه با دو هنگ بومی دیگر- یازدهم و بیستم- در میدان رژه گرد آمده و افسرانی را که تلاش می‌کردند آن‌ها را آرام کنند کشتند، اردوگاه‌ها را به آتش کشیدند، و هر انگلیس را که توانستند به چنگ بیاورند، کشتند. اگرچه بخش انگلیس تیپ توانست یک هنگ پیاده نظام، هنگ دیگری از سواره نظام، و نیروی کوبنده توپخانه سواره و پیاده را گرد آورد، [اما] تا شبانگاه نتوانستند تکان بخورند. چون نتوانسته بودند آسیب زیادی به شورشیان وارد آورند، به آن‌ها اجازه دادند وارد دشت شده و خود را به دهلی، که چیزی حدود چهل مایل با میروت فاصله داشت، برسانند. در آنجا، پادگان بومی متشکل از هنگ‌های ۳۸، ۵۴ و ۷۴ پیاده نظام، و یک گروهان توپخانه بومی به آن‌ها پیوست. افسران انگلیس مورد حمله قرار گرفتند، تمام انگلیس‌هایی که به دست شورشیان افتادند، به قتل رسیدند. و جانشین آخرین مغول دهلی، پادشاه هند اعلام شد.

از سربازانی که برای نجات «میروت» اعزام شده بودند، موقعی که دوباره نظم برقرار شد، شش گروهان [از] نقب زنان و معدنکاران، که افسر فرمانده آن‌ها سرگرد فریزر به قتل رسیده بود، [در] پانزدهم ماه مه، فوراً عازم دشت شدند [و] سربازان توپخانه سواره و چند تن از نگهبانان [هنگ] سواره نظام ششم آن‌ها را تعقیب کردند. پنجاه یا شصت نفر از شورشیان کشته شدند، اما باقی توانستند به دهلی فرار کنند. در فیروزآباد، در پنجاب، هنگ‌های بومی سواره نظام ۵۷ و ۴۵ شوریدند، اما با زور سرکوب شدند. نامه‌های خصوصی از لاهور می‌گویند کل سربازان بومی در وضعیت شورش علنی قرار دارند. در نوزدهم ماه مه، سپاهیان مستقر در کلکته تلاش ناموفقی برای تسخیر پادگان سنت ویلیام به خرج دادند. سه هنگی که از بوشهر به بمبی رسیده بود، فوراً به کلکته اعزام شدند.

در بررسی این رویدادها، شخص از رفتار فرمانده انگلیس در «میروت»، حضور دیر او در میدان نبرد، که هنوز از منش ضعیف او در تعقیب شورشیان کمتر قابل درک است، یکه می‌خورد. چون دهلی در ساحل راست و میروت در

ساحل چپ [رودخانه] جمنا واقع شده است، دو ساحل تنها به وسیله یک پل به هم وصل می‌شوند. هیچ چیز نمی‌توانست آسان‌تر از قطع عقب‌نشینی فراری‌ها باشد.

در این اثنا، در تمام مناطقی که تحت تأثیر قرار نگرفته بود، حکومت نظامی اعلام شد؛ نیروهای عمدتاً متشکل از بومی‌ها از شمال، شرق و غرب بر دهلی متمرکز شده‌اند؛ گفته می‌شود شاهزادگان مجاور در سمت انگلیس قرار گرفته‌اند؛ برای متوقف کردن نیروهای عازم به چین لرد الجین و جنرال آشبورنهام، نامه‌هایی به سیلان فرستاده شده است؛ بالاخره، قرار است در عرض دو هفته، ۱۴۰۰۰ سرباز بریتانیایی از انگلیس به هند اعزام شوند. هر نوع موانع اقلیمی هند در فصل کنونی و کمبود وسایل حمل‌ونقل، می‌تواند مانع حرکت نیروهای انگلیس شود، [اما] شورشیان دهلی به احتمال زیاد بدون مقاومت طولانی تسلیم خواهند شد. اما، حتا آن موقع، این پیش درآمد یکی از هولناکترین تراژدی‌هایی است که اتفاق خواهد افتاد.^۳

نیویورک دیلی تریبیون

۱۵ جولای ۱۸۵۷